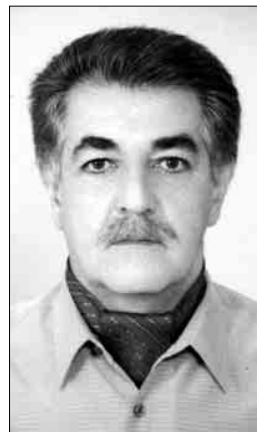


باید جنبشی برای نجات نسل جوان به راه انداخت

گروه اجتماعی: پدران و مادران باید جنبشی را برای نجات نسل جوان و نوجوان ایرانی به راه اندازند تا نیرویی برای دگرگونی آینده ایران به وجود آید و اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، تبدیل به یک بحران فراگیر خواهد شد و به سستی می رود که دیگر قادر به جمع کردن آن نخواهیم بود.

دکتر پرویز پیران استاد و محقق دانشگاه که دیروز در انجمن حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی پیرامون «آسیب شناسی جامعه آنومیک و تحلیل



بحران هویت جوان و نوجوان ایرانی» سخن می گفت، با ارائه نتیجه تحقیق خود روی یک گروه از جوانان تهران در یک منطقه خاص ضمن بیان این مطلب با اشاره به این که نوجوانان و جوانان ما ضدیته با مفاهیمی چون دین و مذهب ندارند، تصریح کرد که اصولاً ارتباط آنها با چنین مفاهیمی قطع شده و در آنها انکار همه چیز، دیده می شود به نوعی که می توان گفت نسل جوان ما دچار نوعی انکار شده است.

وی در این رابطه به بروز هیجانات پس از بازی های فوتبال اشاره کرد و گفت: زمانی که فضایی پیدا می شود این انکار، بار سیاسی و جنبش اجتماعی و بار ساخت شکنانه پیدا می کند.

وی با تأکید بر این که خطری که در حال حاضر نوجوان و جوان را تهدید می کند، مسأله سکس است، گفت: در صحبت من با این نوجوانان آنچه دریافتیم، مصرفی شدن تمام ارزش ها بوده یعنی یک الگوی مصرف گرایی سکس است، این امر به دلیل محدودیت ها به یک نوع مصرف گرایی و یک نوع جنبه اقتصادی تبدیل شده است و در این زمینه قواعد رفتاری تعریف و واژه سازی شده و یک زبان خاص به وجود آمده است.

وی افزود: آنچه تحقیق من نشان می دهد این است که چهار تا پنج خرده فرهنگ در جوانان در حال شکل گیری است. این نوجوانان دچار تطابق در چند چهرگی شده و تمام ارزش هایی که تصور کنیم برای آنها فرو ریخته است و مفاهیم جدیدی شکل گرفته است.

پیران گفت: جوانان تضادهای درون خود را از حالت رسمی و از خانواده خارج کرده و در بیرون آن را تعریف می کنند که خطرش این است که اینها را به کجروی کشانده و به اعتیاد، الکلیسم و ایدزدچار می کند و خیانتی که رسانه ملی ما می کند این است که این را فراموش کرده است.

وی افزود: جوانان و نوجوانان به دنبال راهی برای ارائه خود بوده و به شدت نیازمند این هستند که خود را به نحوی نشان دهند که مهمترین این تظاهرات جنبه مالی پیدا می کند و هر اندازه هم وزن مالی کم می شود تظاهرات ارائه خود جنبه رادیکالی پیدا کرده و فردی می شود.

در حالی که اگر این وضعیت ادامه یابد تبدیل به یک بحران فراگیر اجتماعی می شود و به سستی می رود که دیگر قادر به جمع کردن آن نخواهیم بود.

وی در مورد الگوی تعلیم و تربیت در سنین کودکی (یک تا شش سال) گفت: الگوی تعلیم و تربیت در این سنین در ایران فاجعه است. پیش از این

ما با دوره پدرسالاری روبه رو بودیم که این دوره فروپاشیده است بدون آن که جایگزین آن چیز دیگری شود و این امر منجر شده که نسلی بسیار پرتوقع، مسؤولیت ناشناس، خودخواه و ضد جمع به وجود آید و تمام این عوامل باعث شده که ما در نسل یک تا شش سال با مسائل آسیب شناسی آن به صورت جدی برخورد کنیم.

وی با اشاره به بالا بودن نرخ طلاق در چند مدرسه مورد تحقیق، تصریح کرد که این امر و فقدان دیالوگ صحیح خانواده با کودک یک بحران محسوب می شود که در عرصه های مختلف زندگی خود را نشان می دهد.

پیران با تأکید بر این که لازم است یک جنبش اجتماعی برای این موضوع شکل گیرد، گفت: مشکل ما در ایران این است که عرصه سیاسی بر سایر عرصه ها غلبه یافته در حالی که لازم است به سایر عرصه ها نیز توجه شود و بنابراین نیاز به آگاه سازی داریم تا این امر به نوبه خود موجب بسیج و جنبش و ایجاد تشکل برای کمک به نسل آینده می کند و تصور می کنم باید به سمت بسیج شدن و ایجاد یک جنبش اجتماعی در مورد تعلیم و تربیت در

زمینه کودکان و نوجوانان پیش برویم. پیران با تصریح این که یک مشکل هویت این است که جایگاه فرد را هنوز نتوانسته ایم تعریف کنیم، گفت: نکته مهم این است که در هیچ زمانی تظاهرات پاتولوژیک این مسأله هرگز به این عمق و وسعت نبوده و دلیل عمده آن هم این است که اگر چه اضطراب ها و ناراحتی ها در نسل ایرانی در عرصه خصوصی آرامش پیدا می کرد، اما برای اولین بار این عرصه امنیت تاریخی خود را از دست داده است.

وی افزود: بخشی از واکنش های جوانان به نظر من آن سابقه تاریخی و اتفاقات اخیر است مضافاً این که در عرصه خصوصی آن امنیت نبوده و

عرصه عمومی هم حکومتی تعریف می شود و نتیجه آن می شود که هیچ راهی جز عصیان اجتماعی برای جوان باقی نمی ماند.

پیران با انتقاد از روند فعالیت مطبوعات به خصوص تلویزیون در جامعه بیان کرد قبح تمام مسائل منفی فرهنگ جامعه، از سوی تلویزیون با ارائه الگوهای نظیر دروغگویی، از بین بردن ارزش قشر تحصیل کرده جامعه... و شکسته شده و این رسانه به ارائه و ترویج مسائلی خلاف فرهنگ جامعه می پردازد.

پیران با اشاره به معضلات مختلف در جامعه نظیر بیکاری، اشتغال، ازدواج... و... گفت: نوعی یأس به آینده و افسردگی در جامعه به شدت در حال رواج است. همچنین ازدواج های دانشجویی که در آنها معمولاً افراد چندان یکدیگر را نشناخته و ازدواج می کنند، نیز بر مشکلات دیگر جامعه افزوده است.

همچنین احمد زیدآبادی روزنامه نگار و عضو هیأت مدیره انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران در این نشست با اشاره به این که به نظر می رسد جامعه ایران در چنین وضعی به سر می برد گفت: دوره گذار در ایران از اواخر دوره قاجار شروع شد اما اتفاق عجیبی که بعد از انقلاب اسلامی در ایران افتاد این بود که به یک معنا انقلاب ایران واکنشی بود در مقابل هویت زدایی که مدرنیزاسیون بسیار افراطی که متظاهرانه دوره پهلوی ایجاد کرد. به نحوی که در اواخر دوره پهلوی بسیاری از طبقات دوره میانی جامعه هم احساس کردند که نمی توانند با وضعیت سازگار شوند و دچار بی هویتی شدند که همین بی هویتی آنها را به سمت نیروهای سنتی جامعه که از قدیم به حاشیه رانده شده بودند، شد اینها در آن برهه با هم ائتلاف کردند و انقلاب ایران ناشی از این ائتلاف شد که در

نهایت آن نیروی سنتی همه چیز را به دست آورد و حاکم شد.

وی ادامه داد: قرار بود این نیروی سنتی آن عوارض منفی مدرنیته را به نحوی مهار کرده و یک هویت سنتی را احیا کرده و نهادهای سنتی را گسترش دهد تا بتواند جامعه دیگری را به عنوان الگویی برای بخشی از جهان ارائه کند و انتظار می رفت بتواند به نوعی سنت را در برابر مدرنیته تقویت کند.

وی ادامه داد: بزرگترین مشکل این است که قدرت سیاسی عاملی برای تشدید فروپاشی ارزش های واقعی و اخلاقیات درآمده و در همه حوزه ها هم سایه افکنده است و با رفتارهای خود نسلی که سرخورده و عکس العملی شده و به نظر می آید در جاهایی از عقلانیت فاصله گرفته، اینها را عمداً از طریق تحقیر کردن این نسل عمداً تشدید می کند.

وی در مورد نقش مطبوعات برای ارائه راهکار برای حل معضلات گفت: در حوزه اجتماعی صورت مسأله را می توان طرح کرد و آن هم به این دلیل که بخشی از حکومت دوست دارد که این معضلات را مطرح کند تا بگوید این مشکلات به دلیل حکومت آقای خاتمی است و به این دلیل اجازه طرح معضلات مثل اعتیاد و فساد... داده می شود اما مطلقاً اجازه نمی دهند که این معضلات علت یابی شود.

وی با اشاره به این که در جامعه ای که فرد احساس می کند نمی تواند روی معضلی تأثیر گذارد و احساس بی قدرتی می کند دچار سرخوردگی و افسردگی می شود، گفت: گاهی نمایش یک آسیب اجتماعی بدون ارائه راهی برای برون رفت آن تأثیر معکوس می گذارد.

یعنی معضلات حل نمی شود مگر آن که آزادی بیان را در کشور به رسمیت بشناسیم که در پرتو آن آزادی مطبوعات هم باشد به نحوی که هم بتوانند صورت مسأله را مطرح کرده و هم راه حل را ارائه کنند و در فضای اجتماعی کنونی

امیدی نمی رود که مطبوعات بتوانند مشکلات را طرح کرده و در سایه طرح آن جنبش اجتماعی به وجود آورند.

علیرضا رجایی روزنامه نگار و عضو هیأت مدیره انجمن صنفی روزنامه نگاران نیز در این مورد با ذکر این نکته که بحران هویت ما، تاریخی و تمدنی است و بحران کنونی نیز بخشی از رویدادهای یکصد ساله اخیر است، گفت: اگر چه وقایع ۲۰ ساله اخیر ردپای روشنی را در معضلات

◀ **الگوی تعلیم و تربیت در سنین ۱ تا ۶ سال در ایران فاجعه است**
◀ **اصولاً ارتباط جوانان با مفاهیمی چون دین و مذهب قطع شده به نوعی که می توان گفت نسل جوان ما دچار نوعی انکار شده است**

اخیر اجتماعی برجای گذاشته اما نمی توان تمامی وقایع حاضر را به رخداد ۲۰ سال گذشته احاله کرد. وی افزود: اگر چه به آشنفتگی های تاریخی و فرهنگی ایران پاسخ هایی نظیر رخداد انقلاب اسلامی داده شده اما این پاسخ ها توان رفع آشنفتگی را نداشته و به نظر می رسد در چهل سال اخیر سه گسست عمده اجتماعی را در ایران داشته ایم.

وی از اصلاحات ارضی، انقلاب اسلامی و جنگ هشت ساله به عنوان این سه گسست یاد کرد و افزود: بخشی از واکنش جوانان ما نیز واکنش های مقابله جویانه در قبال نظام سلطه محسوب می شود.